

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

رویکرد اجتماعی ضیاءالدین برنی در تاریخ‌نگاری رسمی

شهلا بختیاری^۱
اکرم جوزیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۱

چکیده

در روایت تاریخ کهن، تاریخ‌نگاری رسمی شایع‌تر است که به روایت تاریخ حکومت‌ها و یا گزارش تاریخ به خواست آنان می‌پردازد. آثار بسیاری از این دست به تألیف درآمده‌اند. با این حال نویسندگانی کوشیده‌اند در تاریخ‌نگاری رسمی، برای مردم نیز جایگاهی قائل شوند. ضیاءالدین برنی از مورخانی است که در کنار نگارش تاریخ رسمی پادشاهان مسلمان دهلی، مسائل اجتماعی را گزارش دهد. این نوشتار می‌کوشد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی از خلال اشارات مستقیم و غیرمستقیم برنی، به‌طور اکتشافی، به بررسی این فرض

^۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س)؛ Sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه الزهراء (س)؛ ajozian@yahoo.com

بپردازد که برنی با وجود نگاشتن تاریخ رسمی تغلق‌شاهیان به سبب داشتن رویکرد اجتماعی، در کنار توجه به مسائل دربار، تاریخ و سیاست‌های آن، وضعیت رعایا را نیز به تصویر کشیده است. او با این کار گونه تازه‌ای از تاریخ‌نگاری را در تاریخ‌نگاری رسمی به کار گرفته است که در آن نقطه ثقل روایت از حاکمیت به سوی مردم در جابه‌جایی است. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد اجتماعی در نوشته او قوت دارد و به سوی نوعی تاریخ اجتماعی متمایل شده است. با وجود این، او ذیل تاریخ حکومت، مردم را نیز آورده و از نقش و تأثیر مردم در قوت و ضعف حکومت غافل نبوده است. با این حال توجه جلی مؤلف به مسائل اجتماعی جهت راهنمایی حکام و شاهان عصر برای اصلاح جامعه بوده است. ریشه‌یابی علمی و معلولی در رخداد‌های اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند نشانگر تحلیل وی از عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی باشد.

واژگان کلیدی: تاریخ فیروزشاهی، ضیاءالدین برنی، بینش اجتماعی، سلاطین دهلی، تاریخ‌نگاری رسمی.

مقدمه

نگاشتن تاریخ حکومت‌ها و دولتمردان، متداول‌ترین و رسمی‌ترین گونه تاریخ‌نگاری است. در واقع این شیوه روایت تاریخ، بازگویی روایت تاریخ توسط حاکمیت است. مطالب نگاشته شده منعکس‌کننده تعبیر و خواست حکومت‌ها از تاریخ است. برخی از محققان به بررسی این گونه عنایت داشته‌اند (از جمله ملایی توانی، ۱۳۹۰)، اما تبیین حوزه گونه مذکور از تاریخ‌نگاری، ویژگی‌ها و دستاوردهای آن و حتی توجه به رابطه میان حکومت‌ها و نگارش تاریخ در آن حوزه در حیطه مطالعاتی این نوشته نیست. یکی از جنبه‌های مفعول یا کم‌اهمیت‌تر در تاریخ‌نگاری رسمی جامعه، لایه‌های اجتماعی، اصناف و در تعبیری موسع اجتماع است. این بخش در اغلب موارد تحت الشعاع تاریخ دولتمردان و یا خواسته آنان بوده است و اگر روایتی از آن دیده می‌شود، امری جنبی و یا حتی ناخواسته

بوده است. در چنین فضایی توجه برخی افراد به مسائل اجتماعی، مردم و حتی رخداد‌های آن می‌تواند دلایل متعدد داشته باشد. دلایل آن را در مسائل مختلف از جمله علایق افراد نیز می‌توان دید. در این مرحله پای‌بینش و منش مورخ به میان می‌آید که تعیین‌کننده نوع رویکرد او به نگارش تاریخ خواهد بود. انعکاسِ بینشِ هر مورخی را در آثار وی می‌توان دید. یکی از مورخان مهم در تاریخ‌نگاری هندِ مسلمان ضیاء‌الدین برنی است که با رویکردی متفاوت به نگارش تاریخ پرداخته است.

می‌توان فرض کرد، برنی با وجود نگاشتن تاریخ رسمیِ تغلق‌شاهیان به سبب داشتن رویکرد اجتماعی، در کنار توجه به مسائل دربار، تاریخ و سیاست‌های آن، وضعیت رعایا را نیز به تصویر کشیده است. وی علم تاریخ را به معنای تلاش برای تحلیل و ریشه‌یابی ابعاد مختلف حیات انسان در بستر زمان دانسته و به فراخور حوادث، تحلیلی جامع از عصر خویش ارائه کرده است. نتیجه این امر سبب رویکرد جدی مؤلف به مسائل اجتماعی برای راهنمایی حکام و شاهان عصر برای اصلاح جامعه شده است. این اقدام به تجربه‌اندوزی از تاریخ و مسائل آن برای واداشتن حکام به اجرای عدالت نظر داشته است که می‌تواند نتیجه آن استواری حکومت باشد.

با وجود بهره‌گیری فراوان برنی از اندیشه‌های نظریه‌پردازان ایرانی و تلاش وی در انتقال این اندیشه‌ها به هند، این اثر مورد بی‌مهری پژوهشگران قرار گرفته است. نک: احمد (۱۳۶۷)؛ شیمل (۱۳۷۳)؛ نفیسی (۱۳۶۳)؛ بلک (۱۳۸۵). اطلاعات کلی در خصوص زندگانی وی (از جمله خاندان، نحوه‌ی وفات، مسلک، آثار و ارتباطش با دربار) را در دو اثر متقدم سیر الاولیاء (میر خورد، ۱۳۰۲. ق) و اخبار الاخبار فی اسرار الابرار (دهلوی، ۱۱۳۲. ق) می‌توان یافت. آثار مطالعاتی چون تاریخ تفکر اسلامی در هند اثر عزیز احمد، ادبیات اسلامی هند اثر شیمل، تاریخ‌نگاری در اسلام اثر سجادی و عالم‌زاده، تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی بلک آنتونی، مدخل برنی نگاشته ثبوت (۱۳۸۰) و ... نیز تنها به معرفی نویسنده و یا معرفی کتاب تاریخ فیروزشاهی فارغ از هر نوع تحلیل بسنده کرده‌اند. در نقد این اثر، مقاله‌ای به زبان انگلیسی توسط حسن برنی نگاشته شده که با قیاس دیدگاه برنی و ابن‌خلدون در حوزه‌ی اجتماعی، بینش وی را به‌عنوان مورخ درباریِ متقدم مورد ستایش

قرار داده است (barany, 1938, 90). پژوهش‌هایی نیز به صورت مستقل اغلب با محوریت اندیشه سیاسی وی صورت گرفته است. ابراهیمی (۱۳۸۸)، موحدی (۱۳۹۲)، مظفر عالم (۲۰۰۴)، عرفان حبیب (۱۹۹۱)، محمد حبیب (۱۹۵۸ و ۱۹۵۷)، محمد حبیب افسرخان سلیم (۱۹۶۱م)، زرهانی (۱۳۹۴) در این دسته جای دارند. از نظر رویکرد ادبی نیز در نوشته‌هایی به شباهت شیوه نگارش وی با برخی ادیبان ایرانی از جمله ابوالفضل بیهقی پرداخته شده است. (راغب، در انجام این پژوهش از قدیمی‌ترین نسخه چاپ سنگی متعلق به سال ۱۸۶۲ م، استفاده شده است (نوشاهی، ۹۰۸، ۱۳۵۰).

زیست‌نامه مورخ

ضیاءالدین مؤیدالملک برنی، از مورخان و ادیبان پارسی‌زبان سده‌های ۷-۸ ق/۱۳-۱۴م است. زادگاه وی برن،^۱ در حمله محمد غوری فتح شد (barany, 1938, 77). میرخورد (متوفی ۷۷۰ هـ) مؤلف کتاب سیر الاولیا، از معاصران برنی است که هنگامه سخن از پدر ضیاءالدین برنی، وی را صاحب دودمانی بزرگ می‌خواند (میرخورد، ۱۳۰۲ق، ۳۲۳). در خصوص زادروز برنی، سندی در اختیار نیست؛ اما خود وی متذکر می‌شود که هنگام تألیف تاریخ فیروزشاهی به سال ۷۵۸ هـ ق، ۷۴ ساله بوده است (برنی، ۱۸۶۲م، ۲۳). با دانستن این موضوع، می‌توان حدس زد که به احتمال وی به سال ۶۸۴ هـ ق و در عهد سلطان غیاث‌الدین زاده شده است. وی در ۷۵۷ ق در غیاث‌پور در گذشت و در کنار پدرش در آرامگاه نظام‌الدین اولیاء به خاک سپرده شد (میرخورد، ۱۳۰۲ق، ص ۳۲۳).

برنی به دلیل لطافت طبع و مهارت نویسندگی، بیش از هفده سال به‌عنوان ندیم و مشاور، در دربار سلطان محمد تغلق (حک: ۷۲۵ - ۷۵۲ هـ ق) - پسر و جانشین سلطان غیاث‌الدین تغلق شاه - خدمت کرده است (دهلوی کشمیری، ۱۹۸۸م، ۸۸؛ برنی، ۱۸۶۲م، ۴۶۲). پس از مرگ سلطان محمد تغلق و قدرت‌گیری فیروزشاه، برنی به اتهام دخالت در امر جانشینی از دربار طرد شد (barany, 1938, 87). وی اواخر عمر را در فقر گذراند و مواجهی را که فیروزشاه برایش فرستاده بود، در راه خدا صدقه داد (میرخورد، ۱۳۰۲ق، ۳۲۳).

۱. اکنون این شهر معروف به بولند شهر است.

نگارش کتاب در حوزه حاکمیت سیاسی تغلق شاهیان

برنی مورخی در دربار بود و با دربار تغلق شاهیان ارتباط تنگاتنگ داشت. ذکر شد که وی سال‌ها در دربار حضور داشت. ندیم و مشاور سلطان‌بودن، خدمت به سلاطین، تهمت دخالت در امور حکومت از جمله جانشینی و وابستگی اقتصادی به دربار و دریافت مواجب از آنان نشان می‌دهد که وی آثار خود را در حوزه تاریخ‌نگاری رسمی نگاشته است، اما علت تمایز وی با دیگران در چیست؟

کتاب تاریخ فیروزشاهی تألیف ضیاءالدین مؤیدالملک برنی، یکی از مهم‌ترین متون تاریخ‌نگاری هند در عصر اسلامی است که به زبان فارسی نگاشته شده است. این کتاب وقایع دوران هشت تن از پادشاهان دهلی، از سلطان بلبن (حک: ۶۶۴ - ۶۸۴ ق) تا سال ششم حکومت سلطان فیروزشاه (۷۵۸ هـ. ق) - نزدیک به یکصد سال - را دربر می‌گیرد.

این کتاب از معدود کتاب‌هایی است که با وجود حضور مورخ در کنار دولتمردان و قصد نگارش تاریخ آنان و متفاوت با عموم مورخان حاضر در دربار حکومتی، در کنار امور سیاسی و حکومتی به مسائل مهم اجتماعی نیز پرداخته است. با این حال، فهم تاریخ‌نگاری برنی بدون شناخت پیش‌تاریخی او ممکن نیست. او به دلیل حضور در دربار تغلق شاهیان و داشتن علاقه به برخی از آنان، همچنان در حوزه تاریخ‌نگاری رسمی قلم زده است. به نظر می‌رسد او با تأکید بر لزوم وجود برخی قواعد اجتماعی، چون لزوم اصلاح وضع رعایا به دست سلاطین و بهره‌گیری از عدالت می‌کوشد اوضاع و جریان‌های سیاسی عصر خود را با ذره‌بین اجتماعی مورد بررسی و انتقاد قرار دهد. وجود شاخص‌هایی از قبیل دید انتقادی، پیش‌سیاسی، تأکید بر اصل علیت و نشان‌دادن چهره واقعی‌تری از اجتماع به حکام، نگرش و نگارش وی را از دیگران متفاوت و متمایز کرده است.

بیان خصوصیات اخلاقی شاهان بلبن، خلجی و تغلقی چهره‌دقیقی از شاهان را برای خواننده ترسیم می‌کند. بیان جزئیات وقایع به‌ویژه در مورد حاکمان بر اهمیت کتاب می‌افزاید. توصیف او از اخلاق و رفتار پادشاهان «گاه چنان دقیق و هنرمندانه است» که همانند سخن مرحوم زرین کوب «می‌توان تصویر واقعی احوال طبقات را نقش زد» (زرین کوب، ۶۸).

روش‌شناسی تاریخی برنی

برنی تاریخ هند در زمان تغلق‌شاهیان را که در دوره اسلامی در این سرزمین حکم می‌راندند، به زبان فارسی نگاشته و با استفاده از آرایه‌ها و سنت‌های ادبی، بر جذابیت کتاب افزوده است. وی کتاب را به شیوه وقایع‌نگاری نگاشته است. هرچند بخش‌های مختلف کتاب با عنوان یکی از سلاطین شروع شده، اما محتوای آن براساس امور مهمی است که برای سلاطین و خوانندگان کتاب مفید واقع شود. همین امر موجب شده در برخی بخش‌ها، نوشتار کتاب دچار بی‌ترتیبی شود. نگاه تحلیلی و منتقدانه به وقایع بدون پیش‌فرض برای دستیابی به حقیقت، استفاده از روش مشاهده و گردآوری روایات شفاهی از طریق گفتگوی حضوری با افراد، جزئی‌نگری و نبودن موضوع از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری برنی است. در نوشته حاضر کوشش شده است تا وجوه رویکردی او از حوزه تاریخ‌نگاری رسمی به اجتماعی‌نگاری نشان داده شود.

اجتماعی‌نگاری؛ رویکردی درون‌حوزه‌ای در اثر برنی

امروزه مطالعات تاریخ اجتماعی بخش مهمی از حوزه علم تاریخ را به خود اختصاص داده است. در حقیقت تاریخ اجتماعی «رویکردی نو[ینی است] که نگاه مورخان از تاریخ جنگ‌ها و اراده‌ها و اعمال مردان بزرگ به تاریخ زندگی‌ها و رفتار مردم جامعه معطوف» شده است و در سه حوزه رابطه مردم با مردم، مردم با حکومت و مردم با زیست‌جهان مادی و معنوی روابط را در چارچوب علی و معلولی تبیین می‌کند (موسی‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱). تاریخ آموزش، تاریخ ادیان، مذاهب، مناسک و آیین‌ها، جمعیت‌شناسی، جنبش‌های اجتماعی، حقوق شهروندی، روابط کاری انسان‌ها، حقوق اجتماعی، اعتراض‌ها و شورش‌ها و... از مسائل مورد نظر در مطالعات اجتماعی است که بر وسعت حوزه‌های آن افزوده است.

در کتاب‌ها و نوشته‌های کهن غلبه با رویکرد گرایش به نگارش حکومت‌ها و رخدادهای مرتبط با آن بوده است. با این حال، مورخان وقایع و رخدادهای غیرحکومتی را نیز می‌دیدند و می‌نگاشتند. نخستین کسی که آگاهانه تاریخ را با بینش اجتماعی

نگریست، ابن خلدون بود. وی در «مقدمه» سیر تکامل بشر از کهن تا تمدن را شرح می‌دهد. از دید وی، نوع بشر با هم ترکیب می‌شود، ستیز می‌کند، حکومت تشکیل می‌دهد و تمدن‌هایی با هنر و فرهنگ و صنعت گوناگون پدید می‌آورد (ابن خلدون، ۱، ۱۳۷۵، ۶۵ - ۶۴). از دید وی تنها وقایع سیاسی تاریخ را نمی‌سازد، بلکه هر آنچه زندگی بشر را تحت تأثیر قرار دهد، می‌تواند موضوع علم تاریخ باشد.

حسن برنی با مقایسه بینش ابن خلدون و ضیاءالدین برنی قصد داشته دیدگاه‌های این دو را به هم نزدیک کند. هرچند وی معترف است که نظرات قابل قیاس نیست اما اذعان دارد که میل به تألیف تاریخ اجتماعی را می‌توان در اثر برنی یافت (barany, 1938, 90-91). اشاره شد که برنی تاریخ دوران حکامی از تغلق‌شاهیان و در ارتباط با آنان وقایعی از حاکمیت بلبن‌ها و خلجی‌ها را در اثر خویش نگاشته است. این امر حرکت در حوزه تاریخ‌نگاری سیاسی و رسمی به شمار می‌آید تا از بُعد صرفاً سیاسی برهد و با رویکرد اجتماعی، در کنار توجه به مسائل دربار و سیاست‌های آن، وضعیت رعایا را نیز به تصویر کشد. وی، علم تاریخ را به معنای تلاش برای تحلیل و ریشه‌یابی ابعاد مختلف حیات انسان در بستر زمان دانسته و به فراخور حوادث، تحلیلی جامع از عصر خویش ارائه کرده است. برنی با بذل توجه به رخدادها و وقایعی از قبیل قحطی، مقاطعه ولایات، وضعیت رعایا، ساختن بناهای عمومی، اوضاع تجاری، مالی و دیوانی تصاویری از جامعه عصر خویش را به تماشا گذاشته است که بخش تصمیم‌گیری و اجرای آن به حکومت مرتبط است.

همدلی با حکومت در روایت یا انعکاس واقعیت اجتماعی

در تاریخ‌نگاری رسمی مورخ بنا به درجه تقرب به حکومت از وابستگی و یا استقلال فکری متفاوتی برخوردار است. نحوه نقل یا انعکاس روایت می‌تواند نشانگر میزان وفاداری و یا همدلی وی با حاکمیت باشد؛ اقدامات مختلفی از قبیل جعل، تحریف، کذب و مسائلی از این دست بالاترین درجه همدلی است. همسو با آن برجسته‌سازی و یا در مقابل حاشیه‌رانی، تغافل، زیاده‌گویی، کم‌نمایی و مواد دیگر همسو با آنها، در حد میانی تا پایین قرار دارند. نمی‌توان انتظار داشت موارد به گفته‌های فوق ختم شود. مورخی که در دربار

شغل و پیشه‌ای دارد و یا مورد مشورت قرار می‌گیرد، در کمترین حد وابستگی می‌کوشد حکام و سلاطین را به اصلاح امور خود و روابط با خلق دعوت کند. از این رو فردی مانند برنی با اقدامات مختلف می‌کوشد با نشان چهرهٔ اجتماع، حاکم را به بهبود اوضاع رهنمون سازد.

اگر با در نظر داشتن موارد فوق نوشته‌های برنی مورد دقت قرار گیرد، مشخص می‌شود که بررسی‌های او بیشتر حالت جامع و همگانی دارد. بررسی وی از مسائل اجتماعی، حول حکومت‌های معاصر یعنی تغلق‌شاهیان از جمله سلطان محمد تغلق‌شاه و برادرزاده‌اش سلطان فیروزشاه می‌چرخد، حال آنکه در بیان حوادث دوره‌های پیشین (سلاطین ممالیک)، به نقل قول بسنده کرده است. وی وضعیت اجتماعی دوران سلطنت خلجیان را نیز گزارش کرده است که پدر و عمویش در این دوران از صاحب‌منصبان دربار به شمار می‌آمدند.

مردم‌مداری: برنی با وجود توجه به حاکمیت، در جای جای نوشته خود پای مردم را به میان می‌کشد و با سخن گفتن از «رعیت» بر نقش مردم در تحولات تأکید دارد. از نوشته‌های وی برمی‌آید که او مایل است با وجود حاکمیت، مردم را نیز در نوشته‌های خود مهم ببیند و نقش آنها را باز گوید.

۱. دادگری و رعیت‌نوازی

بررسی کتاب تاریخ فیروزشاهی نشان می‌دهد در اندیشه برنی مردم و یا به تعبیر وی «رعیت» از جایگاه مهمی برخوردار است. ریشه‌های قوت و قدرت و یا حتی در مقابل ضعف سلاطین در اعتماد رعیت به پادشاه و یا دوری از وی قرار دارد. برنی با طرح زندگی رعایا، سلاطین معاصر خود را به دادگری و رعیت‌پروری تشویق می‌کند. وی با تمجید سلطان شمس‌الدین غزنوی، در خصوص کارهای عام‌المنفعه به سلطان بلبن چنین گزارش می‌دهد: «بندهٔ وی نیز چون سلطان بلبن برای آسودگی خلق از لشکر خود برای عبور آنها از آب‌های بزرگ و پل‌ها و خلیش‌ها پیلان سلطانی در گذراندن خلق و عبور و مرور آسان ضعیفان و عاجزان استفاده می‌کرده و حق مظلوم را از ظالم باز می‌ستانده»

(برنی، ۱۸۶۲ م، ۴۵ - ۴۴). در جای دیگر از زبان سلطان بلبن می‌آورد: «اگر رغبت رعایا به تنفر بدل شود و رعایا را بر پادشاه اعتمادی نماند تشّت و تفرّق روی نماید و در تفرّق رعایا پادشاهی در خلل و زلل افتد» (همان، ۷۷).

برنی چهار عامل را موجب فتنه و آشوب می‌داند که مهم‌ترین آن بی‌خبری پادشاه از وضعیت رعایا و «نیک و بد خلق» است (همان، ۲۸۲). طغیان رعایا علیه حکومت و کشتار خلق به دست عاملان سلطان محمد تغلق‌شاه، موجب شد تا در خطاب به سلطان بیاورد: «و از جمله امراض ملکی یک مرض بزرگ و مهلک تنفر خواص و عوام مملکت و ناعتمادی عامه رعایاست» (همان، ۵۲۲). برنی یکی از دو بازوی جهانداری را رعایا می‌داند و در اشاره به رعیت‌نوازی سلطان فیروزشاه می‌آورد: «نام احتیاج در رعایا نمانده» (همان، ۵۵۴). وی حال رعایا را شمشیر دولبه می‌داند که بی‌نوازی و رفاه کاملشان موجب فساد است؛ آن‌گونه که سلطان بلبن به فرزندش سفارش می‌کند: «در ستدن خراج با رعایا میانه‌روی را کار فرمایید، نه چندان ستانید که بی‌نوا گردند و نه چنان اندک ستانید که از بسیاری اسباب متمرد و سرتاب شوند» (همان، ۱۰۰). نوشته وی نشان می‌دهد که در نظر برنی فرو ریختن دیوار اعتماد میان خلق و حکومت عامل ضعف و فتور حاکمیت خواهد بود.

۲. وظایف اجتماعی سلاطین در برابر مردم

از بررسی آثار برنی برمی‌آید که وی در حوزه اجتماعی برای حکام و سلاطین وظایفی قائل است که می‌تواند مکمل رعیت‌نوازی باشد. یکی از آن موارد **مقابله با بحران‌ها** از جمله بحران‌های ناشی از حمله دشمنان است. حمله مغول یکی از بزرگ‌ترین گرفتاری‌های جهان اسلام بود که دامنه آن اغلب بلاد اسلامی را حتی تا شرق در خود فرو برد. برنی ترس مردم از حمله مغول به هند در عهد سلطان علاءالدین را چنین ترسیم می‌کند: «در آن سال مغول را چون قصد دهلی بر سر افتاده بود ولایت‌های سمت درآمد را نهب نمی‌کردند و حصارها را زحمت نمی‌دادند و از آمدن آن ملعونان که با لشکری همچون مور و ملخ و آنکه قصد دهلی کرده بودند ولایت‌ها را نهب نمی‌کردند و غنیمت نمی‌ساختند در دهلی تشویشی بزرگ روی نمود و خلق قصبات حوالی را به تمامی در حصار دهلی درآوردند و

حصار کهنه، عمارت نشده بود و مردمان آن‌چنان تشویش نه گهی دیده و نه بوقتی شنیده بودند و خرد و بزرگ اهل شهر را حیرت بار می‌آورد و در شهر چندان جمعیت شده که در کوچه‌ها و بازارها و مسجدها مردم نمی‌گنجیدند و جمله اسباب در درون شهر گرانی گرفت و راه‌های کاروانیان و سوداگران بسته شد و خلق را درماندگی پیش آمد» (همان، ۲۵۵-۲۵۴).

در دنباله گزارش، برنی به بیان راهکار سلطان علاء‌الدین برای مقابله با حملات مغول می‌پردازد. وی می‌آورد که سلطان پیشنهاد تشکیل ارتش دائمی را به علت هزینه‌های بالا و خالی‌شدن خزانه رد کرد و چاره‌کار را ارزانی اسباب معیشت، غله و علوفه دانست. به همین دلیل دست به اصلاحاتی زد که برنی از آن با عنوان «ضابط‌های متین» یاد می‌کند (همان، ۳۰۴ - ۳۰۰). از نوشته‌های برنی برمی‌آید که نقطه محوری در اقدامات سلطان قرار دارد. با این حال وی در پیوند تاریخ‌نگاری رسمی پای رعیت را به میان آورده و حاکم را در مقام وظیفه نسبت به مردم قرار می‌دهد. همان‌گونه که نوشته‌ها نشان می‌دهند اقدامات و اصلاحات سلاطین بهبوددهنده امور است. از مواردی از این دست برمی‌آید که وی در نقطه تاریخ‌نگاری رسمی و بررسی مسائل اجتماعی ایستاده است.

دومین وظیفه مقابله با خطر بلاای طبیعی

یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی مورد بررسی برنی قحطی‌ها بوده است. وی چندین قحطی را گزارش می‌کند که طی آنها اوضاع سیاسی نیز مختل شد. سلطان با توسل به ابزار زور درصدد غلبه بر بحران ناشی از قحطی برآمد. وی در گزارشی از وقوع قحطی در زمان سلطان محمد تعلق تصویر قحطی و اقدامات حکومتی را آورده است. وی نوشته است: زمانی که سلطان به قصد لشکرکشی از دهلی خارج شد، قیمت غله تا منی شانزده و هفده چیتل افزایش یافت و با بسته‌شدن راه‌ها، در شهرهای اطراف قحطی رخ داد. سلطان برای رفع مشکل بودجه زیادی به کشت و زراعت اختصاص داد، اما بروز خشک‌سالی تدبیر وی را ناکام گذاشت و در این بین بسیاری از مردم و حیوانات تلف شدند (همان، ۴۸۲ - ۴۸۱). سلطان محمد برای نجات مردم، اجازه خروج به ولایات اطراف هندوستان را صادر و لشکر

را در اطراف رود گنگ مستقر کرد. پس از بارش باران، سلطان قصد عزیمت کرد اما بزرگان شهر، خاصه نویسندگان، به خاطر ترس از کشته شدن، گرانی غله را بهانه کرده و به ولایات آورده و ظفرآباد گریختند. این نافرمانی موجب لشکرکشی سلطان به این مناطق و بازگرداندن مردم به دهلی شد (همان، ۴۹۱ - ۴۸۶). این گزارش وضعیت مردم و نارضایتی آنان از سیاست‌های سلطان محمد را به خوبی نشان می‌دهد.

گزارش گذرای دیگر از قحطی دهلی در زمان سلطان جلال‌الدین خلجی است که با درایت سلطان و صدقات اغنیا، بدون تلفات چشمگیر سپری شد (همان، ۲۱۲). همان‌گونه که اشاره شد، در گزارش‌های برنی از قحطی دو عنصر «رعیت» و «حکومت» به خوبی در جایگاه‌های خود هویدا هستند.

سومین حوزه، اقدامات عام‌المنفعه: ساخت مساجد، مدارس، حفر قنات‌ها و کاریزها، لایروبی جوی‌ها

با وجود برآیند کلی نوشتاری برنی که از سلاطین می‌نویسد، اما در حوزه وظایف عمومی حکومت نسبت به خلق، وظایفی برای آن قائل است که گزارش‌های دقیق و زیبایی نیز از آن داده است. در زمینه عمارات و بناهای عمومی، مورخ در ذیل یازده مقدمه که درباره حکومت سلطان فیروزشاه نوشته است دو مبحث را به این مسئله اختصاص داده است. مقدمه پنجم «در بیان عمارت عهد همایون» و مقدمه ششم «در بیان کافتن جوی‌های بسیار در عهد همایون». یکی از این بناها، مسجد جمعه است که در وصفش می‌آورد: «و یکی از بناهای مبارک فیروزشاهی مسجد جمعه است که عمارتی بس غریب و عجیب و مرتفع و برآمده است و طاق‌های مسجد همایون با طاق آسمان دم مساوات می‌زند» (همان، ۵۶۱). نویسنده به خوبی رغبت مسلمانان به اداء نماز جمعه در این مسجد، با وجود مساجد دیگر، را نمایان می‌سازد.

دیگر بنای مهم، مدرسه فیروزشاهی است که در آن استادان بزرگی از جمله مولانا جلال‌الدین رومی علمی از قبیل تفسیر، حدیث و فقه تدریس می‌کردند. برنی در توصیف آن می‌آورد: «و دوم از بناهای مبارک خداوند عالم مدرسه فیروزشاهی است که بس

بوالعجب عمارتی بر سر حوض علانی بنا شده است و عمارت مدرسه مذکور از رفعت کنبه‌ها و شیرینی عمارت‌ها و موازین صحن‌ها و لطافت نشسته جای‌های و محل‌های مروج و صف‌های دلاویز گوی لطافت از عمارت‌های که در عالم معروف است، ربوده است و عجب عمارتی و بوالعجب بنای که هر که از مقیمان و مسافران در مدرسه فیروزشاهی درمی‌آید همچنین تصور می‌کند که مگر در بهشت عدن درآمده» (همان، ۵۶۲). عمارت بالا بند سیری نیز بنایی آموزشی است که یکی از اساتید بنام آن در حوزه علوم دینی نجم‌الدین سمرقندی بوده است (همان، ۵۶۳ - ۵۶۲). علاوه بر این، سلطان فیروزشاه شهرهایی چون فیروزآباد و فتح‌آباد نیز بنا کرده است (همان، ۵۶۶ - ۵۶۵).

برنی در مقدمه ششم به حفر چاه‌ها و کاریزها به امر سلطان و تأثیر آن بر وضعیت زراعت و معیشت مردم می‌پردازد و می‌آورد: «و باری تعالی این چنین خیری که اعظم الخیراتست و هم واسطه خلاص است از تشنگی و بی‌آبی و هم وسیلت زراعت نفایس غلات و نیشکر و باغ‌ها و زررها» (همان، ۵۶۷)، «در کنارهای جوی‌های مذکور چند هزار دیه آبادان خواهد شد و از حراثت و زراعت رعایای آن ده‌ها چند نوع غلها و نعمت‌ها خواهد رست و ارزانی غلها در آن دیار تا کجاها خواهد رسید» (همان، ۵۶۸)، «و از مراحم سلطان فیروزشاهی هم رعایای آن سرزمین را سروسامان پیدا خواهد آمد و هم ولایة و مقطعان را به واسطه آبادانی دیه‌ها ضبط بیشتر روی خواهد نمود و در ستدن خراج و خزینه استقامتی هر چه تمام‌تر ظاهر خواهد شد و عامه رعایای آن جانب که نی‌شکر و گندم و نخود و میوه‌ها و گل‌های باغی به چشم نمی‌دیدند و به گوش می‌شنیدند، در آن سرزمین برویندی» (همان، ۵۶۹ - ۵۶۸)، «و از دولت روز افزون فیروزشاهی همه در سنوات نزدیک نه دور چندان نعمت گوناگون در آن سرزمین روید که از بسیاری از آن سرزمین در دارالملک دهلی فروختن آرند» (همان، ۵۷۰). نویسنده توجه سلطان به امور عام‌المنفعه را موجب پایداری حکومت، رفاه رعایا و توسعه اقتصادی می‌داند.

۲. نقادی اجتماعی - اقتصادی

یکی از وجوه مهم در تاریخ‌نگاری برنی، که وی را در حد میانه‌ای از تاریخ‌نگاری رسمی و حرکت به سمت اجتماعی‌نگاری قرار داده است، بررسی موارد اقتصادی و اظهارنظر درباره آنهاست. وی در این بخش علاوه بر گزارش، انتقادهایی را ابراز می‌کند که او را در جایگاه ناقد حکومت نشان می‌دهد. هرچند نباید از این بحث غافل بود که وی مورخی درباری است و هدف اغلب نوشته‌هایش بهبود و حفظ جایگاه حکام می‌باشد.

یکی از جنبه‌های مهم در مطالعات اجتماعی توجه به امور اقتصادی است. این امر می‌تواند در حیطه سیاستگذاری اقتصادی و در یا جنبه‌های اجرایی باشد که به موضوعاتی از قبیل مالیات‌ها، نحوه درآمدها و هزینه‌های دولت می‌پردازد. در نقطه مقابل، وی ضمن گزارش آفت‌های اقتصادی - اجتماعی از قبیل رشوه و بی‌لیاقتی اقطاع‌داران، از لزوم به کارگیری افراد لایق و تحسین سلاطین در استخدام کارگزاران شایسته سخن به میان آورده است. این گونه گزارش‌ها، که نمونه‌هایی از آن در ادامه خواهد آمد، تغییر دیدگاه مورخ از نگارش صرف رفتار سلاطین به بازگویی مسائل اجتماعی را مشخص می‌کند.

الف. مقاطعه‌داری: با عنایت به مسائل فوق از شاخصه مهم کتاب تاریخ فیروزشاهی، پرداختن به مسائل اقتصادی از جمله خراج، اقطاع و سیاست‌های اقتصادی سلاطین مسلمان دهلی است.

برنی با نگاهی نقادانه به وضعیت اقطاع در زمان سلطان بلبن می‌پردازد. طبق قانون، اقطاع‌داران موظف بودند برحسب مساحت زمینی که در اختیار داشتند، در مواقع لزوم سواره نظام برای دربار دهلی بفرستند؛ اما در زمان سلطان بلبن به دلیل رشوه‌هایی که اقطاع‌داران به نویسندگان دیوان عرض می‌دادند، در خانه‌های خود می‌ماندند و «محصول ده‌های رایگان می‌بردند» (همان، ۶۰). هنگامی که به گوش سلطان رسید که «اقطاع‌داران شمسی مر رایگان‌خوار شده‌اند و در نامزدی لشکر نمی‌آیند و در حمایت نویسندگان دیوان عرض ده‌ها را سلامت می‌برند و در خان‌های خود می‌باشند» (همان، ۶۱) دستور عزل اقطاع‌داران صادر شد اما آنان با رشوه‌دادن به ملک‌الامرا فخرالدین کوتوال، سلطان را از

این تصمیم منصرف کردند. بسیاری از این اقطاع‌داران تا آخر عهد سلطان جلال‌الدین نیز بر منصب خود بودند (همان، ۶۴). برنی با نکوهش این امر از زبان سلطان محمود می‌آورد: «اگر مقطعی را در کار ولایت‌داری خطا و سهو افتد و یا در کارها غفلت کند و شرایط ولایت‌داری به‌جا نتواند آورد او بدان خطا و غفلت از پادشاه معزول شود و او را در حساب کشند» (همان، ۹۷ - ۹۶). وی سلطان غیاث‌الدین تغلق را به خاطر واگذاری اقطاع به اشخاص دادگر ستایش می‌کند (همان، ۴۲۸).

ب. خراج: مسئله دیگری که بدان پرداخته شده، احکام مربوط به خراج است. برنی با مقایسه حکم خراج دو دوره سلطان علاء‌الدین و سلطان قطب‌الدین، چنین گزارش می‌دهد که علاء‌الدین امر فرمود «بر گرفتن خراج که در آن خراج یک حکم پیدا کند و خراج اقویا بر ضعف‌انگیزند، برای این کار ضوابطی در نظر گرفت: اول آنکه آنچه زراعت می‌کنند از قلیل و کثیر به حکم مساحت بکنند و بی‌هیچ تفاوتی نصف بدهند و دوم آنکه از گاو‌میش و گوسپند هر چه شیرآور بود چرای بستانید و چرای تعیین شد و برای این حکم عمال و نویسندگان و کارکنانی که رشوه بگیرند و خیانت کنند معزول می‌شود» (همان، ۲۸۸ - ۲۸۷). در نتیجه نرخ اجناس و غله ثابت ماند و کسب و کار رونق گرفت (همان، ۳۲۳). زمانی که سلطان قطب‌الدین به تخت نشست «خراج‌های گران و طلب‌های سخت از میان خلق برداشت و مصادره و مکابره و لت و زنجیر و تخت‌بند و چوب از دیوان وزارت دور کرد» (همان، ۳۸۳)؛ اما این سیاست موجب گرانی نرخ‌ها شد (همان، ۳۸۴).

برنی روش خراجی سلطان تغلق‌شاه را تأیید می‌کند. به گزارش وی، سلطان برای تشویق کشاورزان و آبادانی ولایات، خراج را بر میزان محصول بست و دیوان عرض را مکلف کرد که حدود یک یازدهم محصول را به‌عنوان خراج دریافت کنند. از آنجا که خراج توسط اقطاع‌داران و والیان دریافت می‌شد، سلطان در خطاب به آنان می‌گفت: «خراج از ولایت بر نهجی باید ستد که رعایای ولایت در زراعت بیفزایند و گذشته مستقیم گردد. و هر سال چیزی بیفزاید نه آنکه یک کرت چندان بستانید که نه گذشته برقرار ماند

و نه آینده چیزی بر رود ولایت‌ها که خراب می‌شود و خراب می‌نماید از گرانباری خراج و نهایت طلبی پادشاهی است» (همان، ۴۳۰ - ۴۲۹).

برنی مهم‌ترین عامل شورش مردم در اواخر دوران سلطان محمد را چند برابر کردن خراج ولایت میان دو آب می‌داند؛ چنان‌که «در دل سلطان محمد افتاد که خراج ولایت میان دو آب یکی به ده و یکی به بیست می‌باید ستد» (همان، ۴۷۳).

پ. سیاستگذاری‌های اقتصادی و پولی: کتاب تاریخ فیروزشاهی در خصوص نظام پولی عهد سلاطین دهلی نیز اطلاعاتی ارائه می‌دهد. هر چند می‌توان این بخش را حوزه سیاست‌های حکومتی دید، اما نگاه نقاد مورخ در امور اقتصادی، علاوه بر حاکمیت مردم را نیز مورد توجه قرار داده و تأثیر درست و یا نادرست آن سیاست‌ها را بیان کرده است.

تثبیت قیمت‌ها: گزارش برنی از اقدامات و ضوابطی که سلطان علاءالدین برای ثابت نگه داشتن قیمت غله اعمال کرده، مبین نگاه او به روابط مردم با حکومت است. علاءالدین پول رایج را به صورت چیتل^۱ درآورده و ضوابطی بدین شرح نگاشته است: الف) تعیین نرخ غله توسط دستگاه حکومت، بدین صورت که حنطه در منی هفت و نیم چیتل، نخود در منی پنج چیتل... ب) انبار کردن غله‌ها در انبارهای سلطنتی و برای این کار خراج برخی از اقطاع‌ها را به صورت عین غله دریافت کنند؛ فواید این ضابطه آن بود که در مواقع ضرورت چون قحطی و بسته شدن راه‌های کاروانیان بر اثر جنگ بتوان از غله‌های ذخیره شده استفاده کرد. پ) نصب کردن شحنه و کارکنان با قدرت و معتبر (ت) نوشتن اسامی تمام تاجران و کاروانیان (ث) منع احتکار غله توسط مردم (ج) وادار کردن تاجران به خرید غله رعایا در محل کشت محصول (برنی، ۱۸۶۲ م، ۳۰۷ - ۳۰۵).

۱. پول رایج هند چیتل مسی با وزنی نامعلوم و تنکه یا در زبان سانسکریت تنکا بوده که برابر با یک توله (سکه هندی) طلا و نقره مسکوک است (استرآبادی، ۱۳۸۷، ۱، ۶۸۹-۶۸۸).

قیمت‌گذاری کالا: در گزارش او به مواردی توجه شده است. علاوه بر ضوابطی که علاءالدین برای ارزیابی غله تعیین کرده بود، برای ثابت نگه‌داشتن نرخ قماش، که برنی آن را شامل جامه و شکر و نبات و میوه و روغن می‌داند، نیز ضوابطی در نظر گرفته شد. مهم‌ترین این ضوابط، ایجاد سرای عدل بود. لازم بود تجاری که از دربار پروانه کسب دریافت می‌کردند، کالاهای خود را قبل از بردن به بازار به سرای عدل ببرند تا در آنجا قیمت اجناس توسط حکومت تعیین شود. **سیاست قیمت‌گذاری** مهم‌ترین حرکت برای پیشگیری از رشد بی‌رویه قیمت‌ها بود. از جمله این قیمت‌ها، خز دهلی شانزده تنکه، چادر ده چیتل، روغن کنجد هر سیر یک چیتل، نمک هر من پنج چیتل. همچنین سلطان برای ثابت نگه‌داشتن قیمت اسب و برده و چارپایان، جنس و قیمت موازنه آن را تعیین و سوداگران خرید و فروش اسب و برده را از این کار منع کرد (همان، ۳۱۴ - ۳۰۹).

برنی علل توفیق سلطان در اصلاحات را چهار چیز می‌داند: «یکی از سختی فرمان که اصلاً از فرمان او رجوع نیست و دوم از گرانی خراج‌ها که رعایا از شدت طلب محتاج شده غله و اقمشه به نرخ سلطانی می‌فروشد و سوم از بی‌زری خلق که این مثل در عصر او سایر شد بود که اشتر بدانگی و دانگ کو و چهارم از کارفرمایان گنده‌دست و درشت‌مزاج که نه رشوت می‌ستدند و نه روی کسی نگه می‌داشتند» (همان، ۳۱۲).

برنی در این حوزه به سیاست مالی سلطان محمد تغلق توجه ویژه‌ای دارد. سلطان محمد که اندیشه تصرف ممالک خراسان و عراق را در سر می‌پروراند و برای این کار به پول زیادی محتاج بود، دستور داد که در دارالضرب مهر مس را به ارزش مهر زر و نقره ضرب کند. هدف وی از این کار بها دادن به مس در معاملات و ایجاد یک نظام واحد پولی بود. در نتیجه در هر خانه‌ای دارالضربی تأسیس شد که با تحویل سکه مس به خزانه معادلش طلا و نقره دریافت می‌کرد. این سیاست باعث بی‌ارزش شدن مس، افزایش چهارالی پنج برابری قیمت طلا و نقره و خالی شدن خزانه شد (همان، ۴۷۶ - ۴۷۵). هر چند سلطان محمد قصد انجام اصلاحات پولی (barany, 1938, 97) و ایجاد سکه مسی به عنوان پول رسمی را داشت؛ اما توانایی مردم برای ساخت سکه این نقشه را بر هم زد (استرآبادی، ۱۳۸۷، ۱، ۴۵۱).

از بررسی نمونه‌های فوق برمی‌آید که برنی با هدف آگاه‌ساختن اخلاف تغلق‌شاهیان، به بررسی سیاست‌های اقتصادی سلاطین و تأثیر آن در وضع معیشت رعایا پرداخته و اطلاعات باارزشی در خصوص علل شکست یا موفقیت اصلاحات در زمینه‌ی تجارت و کشاورزی ارائه کرده است. این اطلاعات ذی‌قیمت ابزاری مؤثری در دست محقق کنونی است که با آن اوضاع اجتماعی زمان وی را می‌سنجد.

ریشه‌های اجتماعی ضعف و سقوط حکومت‌ها

اشاره شد که برنی دوران حکومت سه خاندان یعنی اواخر عصر ممالیک (حک: ۶۸۹-۶۸۵ هجری)، سراسر عصر خلجی‌ها (حک: ۶۸۹-۷۲۰ هجری) و اوایل عصر تغلق‌شاهیان (حک: ۷۲۰-۸۱۷ هجری) را مشاهده، ثبت و بررسی کرده است. وی در کتاب خود به شیوه‌ای نقادانه، از علل تغییر و سقوط حکومت‌ها سخن می‌راند.

تغییر خلق خوی حاکم و رعیت

این فرایند را در تحلیل او از تغییر در سلطنت سلطان معزالدین می‌توان دید که چگونه با تغییر خلق و خوی حکام و کردار آن‌ها، حکومت‌ها و جوامع نیز تغییر می‌یابند و با این تغییرها، تضاد و تباین در حکومت‌ها، ایجاد می‌شود. بعد از سخت‌گیری‌ها و قهر و سقوط سلطان معزالدین، رفتار و کردار مردم نیز با آمدن شاه جدید تغییر یافت. به قول برنی هنگام جلوس سلطان معزالدین «جهان به کام بطلان شد و خوشی‌طلبان و مجلس‌آرایان و نشاط‌جویان و لطیفه‌گویان و مضحک‌سازان که خپ کرده بودند و در گوشه‌های خواری بیکار و بی‌خریدار مانده در کار شدند» (برنی، ۱۸۶۲، م، ۱۲۹) و بدین ترتیب، مردم همچون سلطان به طرف لهو و لعب و شراب و شاهد ترغیب شدند؛ بنابراین به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» مردم به شیوه حاکمان خود هستند؛ با تغییر در خلقیات حاکمان، مردم نیز تغییر می‌یابند و این سنت تاریخ زندگی بشر است.

دوری حکومت از مردم و نخبگان

جامعه‌شناسان، نخبگان را اشخاص و گروه‌هایی می‌دانند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند یا تأییراتی که بر جای می‌گذارند یا تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند یا ایده‌ها، احساسات و هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه‌ای مؤثر واقع می‌شوند. از میان انواع نخبگان، نخبگان سنتی و مذهبی (گی‌روشه، ۳۹۶ و ۲۱۴) و نخبگان ایدئولوژیک (همان، ۴۲۳ و ۲۴۰) را می‌توان در کتاب تاریخ فیروزشاهی مشاهده نمود.

جایگاه نخبگان در اندیشه برنی چنان بالاست که در دیپاچه شرح وقایع هر یک از سلاطین ابتدا اشخاص مهم و معتبر معاصرش را بیان می‌کند (همان، ۲۴ و ۱۲۶ و ۱۷۴ و ۲۴۱ - ۲۴۰ و ۳۸۰ - ۳۷۸ و ۴۲۴ - ۴۲۳ و ۴۵۵ - ۴۵۴ و ۵۲۸ - ۵۲۷) و بعد به ذکر حوادث مربوط به دوران سلطنت می‌پردازد. به نظر می‌رسد برنی جایگاهی درخور برای افراد متنفذ مذهبی نزد مردم قائل است. این امر بیانگر نگرش او به گزارش و بررسی نقش و تأثیر افرادی است که در ساختار حکومت نبودند، اما بر ارتباط آن با مردم تأثیر گذارند.

یکی از حرکت‌هایی که به محوریت نخبگان رخ داد و برنی آن را گزارش و تحلیل کرده است، توسط سیدی موله از نخبگان مذهبی در زمان سلطنت سلطان جلال‌الدین خلجی شکل گرفت. وی که از سادات کیلوکهری بود در دهلی مریدان بسیار داشت. پسر بزرگ سلطان جلال‌الدین و امرا و بزرگ‌زادگان خاندان بلبنی به همراه سیدی موله قصد کشتن سلطان جلال‌الدین را داشتند، اما این فتنه خوابانده شد و سیدی موله به قتل رسید (همان، ۲۱۱ - ۲۰۹). برنی معتقد است «درویش کشتن شوم باشد» (همان، ۲۱۲) و قحطی که

در این زمان در دهلی رخ داد را به این واقعه ربط می‌دهد. (همانجا)

سلاطین مسلمان دهلی همواره از قدرت‌گیری سادات واهمه داشتند، چنان‌که سلطان قطب‌الدین برای کاهش قدرت شیخ نظام‌الدین اولیاء، ملوک و امرا را از زیارت شیخ منع کرد و برای سر او هزار تنکه زر جایزه گذاشت (همان، ۳۹۶). بدین ترتیب برنی به نقش نخبگان در ایجاد قیام‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی اشاره می‌کند.

درگیر کردن مردم در درگیری‌های درون حکومتی

یکی از عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی، عامل جنگ می‌باشد که برنی نیز در تغییرات اجتماعی به آن نیز توجه کرده است. وی صرفاً جنگ‌هایی را که تأثیراتی در فرایند دگرگونی ساختارهای اجتماعی داشته، ذکر می‌کند. سلطان علاءالدین پس از پیروزی بر مغولان و غنایمی که از فتح نواحی دیوگیر به دست آورد، بر سلطان جلال‌الدین شورید و او را کشت. سپس برای کسب مشروعیت، انعام زیادی بین مردم پخش کرد (همان، ۲۴۸). ثروتی که از راه فتوحات به جامعه تزریق شد، موجب گرایش مردم به تجمعات، دور شدن از ارزش‌های اسلامی و پایداری حکومت سلطان علاءالدین گردید.

از دیگر جنگ‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته است، جنگ‌های میان مسلمانان و هندوهاست. سلطنت خاندان خلجیان توسط خسرو خان هندوی از بین رفت. وی پس از رسیدن به قدرت خود را سلطان ناصرالدین خطاب کرد و برای استحکام سلطنت و به دست آوردن پایگاه مردمی، بخشش‌ها و انعام‌ها کرد؛ اما حکومت او بیش از چهار ماه دوام نیاورد و توسط سلطان غیاث‌الدین تغلق‌شاه که در آن زمان صاحب اقطاع دیوبال پور بود از بین رفت. سلطان غیاث‌الدین تغلق به دهلی لشکرکشی کرد و اجازه سلطنت هندوها بر مسلمانان را نداد (همان، ۴۱۹ - ۴۱۲).

برنی نحوه برخورد مردم با سلطنت خسرو خان را در سه دسته بررسی می‌کند: گروه نخست کسانی که به خاطر مال دنیا و ضعف ایمان به حکومت خسرو خان رضایت دادند، گروه دوم که با وجود دریافت مواجب و انعام در باطن با هندوان مخالف بودند و گروه سوم که به دلیل اعتقاد راسخ به اسلام با کمک سلطان غیاث‌الدین تغلق‌شاه به سلطنت کفار پایان دادند (همان، ۴۱۳ - ۴۱۲). جنگ با هندوان موجب شد که در زمان تغلق‌شاهیان طریقه اعتدال رعایت شود به اندازه‌ای که هندوها از دارایی زیاد متمرّد نشوند و از واداری نیز ترک وطن نکنند (همان، ۴۳۰).

برنی با دیدی نخبه‌گرا، به بررسی نقش نخبگان سیاسی و مذهبی در بروز رویدادها و جایگاه آن‌ها در میان مردم پرداخته است که این امر موجب ترس شاهان از افزایش قدرت آنان را در پی داشته است. برنی مهم‌ترین علت سقوط حکومت‌ها را گرایش شاهان به

ستمگری و بی‌اخلاقی دانسته است. از دید وی، فساد شاه موجب فساد رعیت می‌شود و این امر زمینه حمایت از دشمن و سقوط حکومت را فراهم می‌آورد.

موارد فوق، نمونه‌هایی از تعداد فراوان گزارش‌های برنی از حضور مردم در مسائل مختلف است که نشان می‌دهد وی در رویکردی متفاوت، علاوه بر روایت تاریخ رسمی حکومت عنصر مردم را قوی دیده و برخلاف دیگر مورخان کهن به انعکاس آن همت گماشته است. وی نیز با توجه به طرحی که در ذهن خود داشته است، حوادث تأثیرگذار عصر خود را گزینش کرده و بازخورد آن را در رفتار مردم نشان داده است.

نتیجه‌گیری

در نگارش تاریخ با رویکرد سیاسی یا تاریخ‌نگاری رسمی، همه توجه مورخ به هرم قدرت یعنی سلطان و عوامل او معطوف است. درحالی‌که در تاریخ‌نگاری با رویکرد اجتماعی، وضعیت جامعه و مردم نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. توجه برنی به مردم یا به تعبیر وی «رعیت» در کتاب تاریخ فیروزشاهی بسیار شاخص است. او به جای توجه صرف به مسائل حکومت‌ها و امور سیاسی از نقش مردم غافل نبوده است. همین امر تفاوت و تمایز اثر او را با دیگر مورخان کهن نشان می‌دهد. وی در حرکت از تاریخ‌نگاری رسمی، که تاریخ حکومت‌هاست، کوشیده است مردم‌مداری را از وظایف حکومت بشمارد و برای نیل به این هدف مسائل مرتبط با مردم را در نوشته‌های خود آورده و بر آنها تأکید کرده است. نقش توجه به مردم در استواری و قدرت حکومت، در مقابل تضعیف حکومت‌ها در اثر دور شدن از مردم به خوبی در گزارش‌ها و روایت او از وقایع آمده است. به این سبب می‌توان وی را مورخی دانست که با اتخاذ رویکرد اجتماعی‌نگاری در تاریخ‌نگاری رسمی، گونه جدیدی از تاریخ‌نگاری را ابداع کرده است.

منابع

- ابراهیمی، رقیه. «اساسی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی». **فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام**. سال اول. شماره ۲. پاییز ۱۳۸۸.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). **مقدمه ابن خلدون**، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمد، عزیز (۱۳۶۷). **تاریخ تفکر اسلامی در هند**. ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی. تهران: انتشارات کیهان با همکاری انتشارات علمی و فرهنگی.
- استرآبادی، محمداقاسم هندوشاه (۱۳۸۷). **تاریخ فرشته**، تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- برنی، ضیاءالدین (۱۸۶۲ م). **تاریخ فیروزشاهی** (چاپ سنگی). تصحیح سید احمدخان صاحب مولوی. کلکته: بی‌نا.
- بلک، آنتونی (۱۳۸۵). **تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر تا امروز**. ترجمه محمد حسین وقار. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ثبوت، اکبر (۱۳۸۳). **مدخل ضیاءالدین برنی. دانشنامه جهان اسلام**. تهران.
- حسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۳۵۰). **نزه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر**. حیدرآباد الدکن: دائره المعارف العثمانیه.
- دهلوی، جمال‌الدین عبدالحق (۱۱۳۲ ق). **اخبار الاحیاء فی اسرار الابرار**. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نسخه خطی ۲۴۰۳. بی‌نا.
- دهلوی کشمیری، محمدصادق (۱۹۸۸ م). **کلمات الصادقین**. تصحیح محمد سلیم اختر. لاهور اسلام آباد با همکاری انتشارات القریش.
- روشه، گی (۱۳۶۶). **تغییرات اجتماعی**. ترجمه منصور وثوق. تهران: نشر نی.
- راغب، محمد. «رویکردهای روایی ضیاءالدین برنی در تاریخ‌نگاری و مقایسه آن با شیوه تاریخ بیهقی»، **نامه فرهنگستان** ویژه شبه‌قاره هند

- زرهانی، سیدحسین. «تداوم و نوآوری در اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی، و کتاب فتاوی جهان‌داری». **فصلنامه مطالعات شبه‌قاره**. دوره ۷. شماره ۲۴. پاییز ۱۳۹۴.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷). **تاریخ در ترازو**. تهران: امیرکبیر.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۷۳). **ادبیات فارسی در هند**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرخورد، محمد بن مبارک (۱۳۰۲). **سیرالاولیاء**. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- موحدی، محمدعلی. «سیاست‌نامه و فتاوی جهان‌داری». **ویژه نامه فرهنگستان (شبه‌قاره)**. شماره اول، ۱۳۹۲.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری**. تهران: انتشارات فروغی.
- نوشاهی، سید عارف (۱۳۵۰). **فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش**. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- Barany, syed Hassan (January 1938), **ziauddin barany**, vol.12, Islamic culture. Habib, Mohammad. **Life and thought of Ziauddin Barani** Medieval India Quarterly, vol. 3 (1-2) 1957.
- **Life and thought of Ziauddin Barani**. Habib, Mohammad **Medieval India Quarterly**, vol. 3 (3-4), 1958.
- Habib, Mohammad; Khan, Afsar Umar Salim, **The Political Theory of the Delhi Sultanate:(including a Translation of Ziauddin Barani's Fatawa-i Jahandari, Circa, 1358-9 AD)** . Allahabad: Kitab Mahal, 1961.